

## غزل شماره ۲۸۰

چو بر شکست صبا زلفِ عنبر افشانش  
به هر شکسته که پیوست تازه شد جانش

کجاست، هم‌منفی؟ تا به شرح عرضه دهم  
که دل چه می‌کشد از روزگار، بهرانش

زمانه از ورقِ کُلِّ مثالِ رویِ تو بست  
ولی ز شرمِ تو در عنجه کرد پنهانش

تو خفته‌ای و نشد عشق را اگر نه پدید  
تبارک الله از این ره که نیست پیامش

جمال کعبه مگر عذر رهروان خواهد  
که جان زنده دلان سوخت در میانش

بدین شکسته‌بیتُ الحزن که می‌آرد؟  
نشان یوسفِ دل از چه زخمدانش

بگیرم آن سر زلف و به دستِ خواجه دهم  
که سوخت حافظِ بی‌دل ز مکر و دستانش

## تفسیر فال

به دنبال دوستی می‌گردید که بتوانید درد دل‌ها و احساسات خود را به او بگویید و در واقع، نیاز عمیق انسانی به ارتباط را برآورده سازید. این موضوع اهمیت زیادی دارد، زیرا با خجالت و گوشه‌نشینی، آینده‌ای روشن و سرشار از موفقیت نخواهید داشت. این نوع انزوا نه تنها منجر به کاهش کیفیت زندگی می‌شود بلکه می‌تواند به احساس تنهایی و افسردگی نیز دامن بزند. بنابراین، بهترین راهکار آن است که بهانه‌ها و عذرهای بی‌مورد را کنار بگذارید تا دل شما زنده و جوان شود. با گشاده‌دستی در روابط اجتماعی خود، فرصتی برای رشد شخصی فراهم خواهید کرد. شما قطعاً به نیتتان خواهید رسید، چرا که نشانه‌هایی از آن به وضوح در اطراف شما وجود دارد؛ این نشانه‌ها ممکن است شامل لحظات خاصی باشد که الهام‌بخش شما هستند یا افراد جدیدی که وارد زندگی‌تان می‌شوند و فرصت‌های نوینی را برای ایجاد دوستی‌های عمیق‌تر فراهم می‌آورند.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)